

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

درس دوم

متن پیش رو شامل پرسش‌هایی است که در دوره‌های گذشته آموزش مجازی-کتاب مقدمات تدبر در قرآن- توسط قرآن‌پژوهان طرح شده است. در این رابطه توصیه می‌شود که به نکات زیر توجه نمایید:

- ۱- به طور قطع این متن پاسخگوی همه سوالات شما نمی‌باشد اما پیشنهاد می‌کنیم که قبل از طرح پرسش خود با پشتیبان، این متن را مطالعه نمایید. شاید پاسخ خود را بیابید. کمترین فایده این مطالعه، آشنایی با سوالات دیگر قرآن‌پژوهان و توجه به نگاه‌هایی متفاوت با نگاه خود می‌باشد.
- ۲- برای سهولت هر چه بیشتر در یافتن متن مورد پرسش، در ابتدای هر سوال متن مربوطه ذکر شده است.
- ۳- صحت پاسخ به سوالات توسط متخصصین محتوا بررسی شده است. با این حال لطفا هر گونه اشکال محتوایی که ملاحظه نمودید را با ما در میان بگذارید.
- ۴- بر روی متن اندکی ویرایش ادبی انجام شده است تا از ذکر نکات مبهم جلوگیری شود. البته در تلاش بودیم تا در این ویرایش ادبیات محاوره ای قرآن‌پژوهان حفظ شود تا بر سرعت درک مفاهیم بیافزاید.
- ۵- برای هر یک از قسمت‌های متن درس، سوال و پاسخ علائمی در نظر گرفته شده است که در ادامه معرفی شده‌اند:



نماد پشتیبان



نماد قرآن پژوه



نماد متن کتاب

در پایان از شما تقاضا داریم تا در راستای رفع هر گونه نقص در نظام آموزش قرآن کریم، ما را از پیشنهادات و انتقادات خود بهره‌مند سازید.

مجمع مدارس دانشجویی قرآن و عترت علیه السلام دانشگاه تهران



تفکر در قرآن به معنای دقت در مضامین لغات، آیات و سوره‌های قرآن برای فهم معانی و کشف روابط بین آنها و دریافت حقیقت از لا به لای متن و ظاهر آنست. در این راستا لازم است فرد با قوای تصویرگری خود و نیز با قوه استدلال و استنتاجش، مطالب را در صحیفه جان خود حاضر نماید و از رهگذر این تصور، استدلال، چیدمان و رابطه‌گیری به پیام‌های جدید دست یابد.

فردی که در قرآن تفکر می‌کند در نظر دارد تا از هر داستان، مثل، امر و نهی و ... رابطه‌ای را کشف نموده و حقیقتی از این عالم را دریافت نماید. بنابراین اگر این قوه تفکر از انسان سلب شود امکان ارتباطی مطالب و فهم پیام‌ها و ارتباط با ملکوت و غیب عالم برای او محقق نخواهد بود.<sup>۱</sup>

برای تفکر در سوره مبارکه قارعه مراحل زیر را پی بگیرید:

- مرحله اول: موضوعاتی که در سوره از آن سخن رانده شده است.

در این حالت لازم است مانند نمونه زیر سوره را موضوع‌بندی کنیم:

موضوع ۱. معرفی قیامت با وصف کوبندگی

موضوع ۲. ویژگی‌های روز قیامت

موضوع ۳. معرفی اساس ارزش‌گذاری در آن روز

- مرحله دوم: عناصر هر موضوع را به تفکیک بیان و تصویرسازی نمایید.

عناصر موضوع ۱. کوبش و به هم ریختن

عناصر موضوع ۲. انبوه پروانگان و جمع شدن به علاوه کوه‌هایی که به صورت پشم حلاجی شده‌اند.

عناصر موضوع ۳. سنگینی و سبکی و ترازو

- مرحله سوم: ارتباط بین موضوعات با هم

انسان + روز قیامت و وضعیت عالم در آن روز + مشاهده حق و اعمال + محاسبه + پاداش + جزا +

..... + .....

مرحله چهارم: گزاره‌هایی منطقی از سوره

<sup>۱</sup> به کتاب پرورش تفکر قرآنی از همین مجموعه رجوع شود.

روز قیامت روز سختی است.

در آن روز اعمال محاسبه شده به نسبت حظ و بهره‌ای که از حق دارد پاداش یا جزا می‌بیند. هابویه جایگاه دوزخیان در روز قیامت است که به واسطه سبک بودن میزان از حق، نصیب فرد می‌شود.



می‌خواستیم بدونم معنای گزاره یعنی چه؟ اصلا منظورتان از گزاره‌نویسی چیه و ما باید چه کار کنیم؟



البته توضیح گزاره در درس چهارم، تحت عنوان "مرحله دوم: گزاره‌نویسی" توضیح داده شده است. بدین ترتیب که "این مرحله (مرحله گزاره‌نویسی) ما را به مرحله تعقل نزدیک می‌کند؛ زیرا در صدیم تا گزاره‌های حقیقی قابل استناد را کشف و غرض سوره را که هدایت ما در گرو آن است، در قالب این گزاره‌ها کشف و مشاهده کنیم.

برای گزاره‌نویسی از سوره، از هر جمله و حتی کلمه‌ای و نیز از هر ارتباط میان جمله یا کلمه‌ای می‌توانیم گزاره‌هایی استخراج کنیم.

**منظور از گزاره، جملاتی با اسناد خبری است که در فارسی از آن به نهاد و گزاره، در عربی به مسند و مسندالیه و در منطق به موضوع و محمول تعبیر می‌شود.**

از آنجایی که گزاره‌های خبری در مورد هست و نیست‌ها خبر می‌دهند لازم است گزاره‌های سوره کاملا منطبق بر دلالت‌های ظاهری سوره باشد. طبیعی است جملات خبری سوره خود گزاره‌هایی هستند که می‌توان با استفاده از آنها و تلفیق منطقی آنها به گزاره‌های جدید دست یافت. تلفیق این گزاره‌ها بر اساس علم منطق صورت گرفته و باید از هر گونه شائبه تفسیر به رأی منزه باشد."

در جلد دوم از آموزش روش‌های تدبر در قرآن یعنی کتاب "روش‌های تفکر در قرآن" به طور مفصل به مبحث "گزاره" پرداخته می‌شود. در کتاب "مقدمات تدبر در قرآن" منظور از گزاره‌نویسی **جملات**

معناداریست که با ظاهر آیات قرآن مطابقت داشته باشد و از اعمال هرگونه افکار شخصی و پیش‌زمینه‌های ذهنی پرهیز شود.



### ◆ انس با آیات و سوره‌ها:



انس با چیزی به معنای دور شدن حالت دوری و کراهت است. در این حالت برای انسان همراه و قرین بودن با مأنوس خود بسیار مطلوب است. انس در اثر همجواری، هم‌افقی، هم‌جهتی و هم‌راستایی به وجود می‌آید. تکرار مطالعه و رفت و برگشت بر روی مطلبی می‌تواند منجر به انس شود.

طبیعی است انس هم می‌تواند مقدمه ارتباط و هم نتیجه ارتباط باشد. برای انس یافتن با سوره مبارکه قارعه:

- آن را با لحن‌های مختلف بخوانید.
  - در یک هفته سعی کنید، هر روز بعد از نمازها و یا در ناهله‌ها به صورت مرتب این سوره را بخوانید.
  - سعی کنید تفسیری از سوره مطالعه کنید.
  - در گفتگوهای روزانه خود از پیام‌های سوره و یا مثال‌های آن با دیگران گفتگو کنید.
  - در مورد مضامین آن تفکر نمایید. به ویژه در نیمه‌های شب.
- طبیعی است که انس با چیزی سبب می‌خواهد و مهم‌ترین سبب، توجه جهت‌دار و هم‌سنخی است. و البته در انس حدی وجود ندارد.



۱. چکار کنیم که واقعا با سوره‌ها مانوس بشیم و تو زندگیمون جاری بشن؟



صفحه ۶۵ کتاب برای انس با سوره قارعه پیشنهاداتی ارائه می‌شود که این پیشنهادات برای انس با تمام سوره‌ها مفیده:

آن را با لحن‌های مختلف بخوانید.

در یک هفته سعی کنید، هر روز بعد از نمازها و یا در نوافل‌ها به صورت مرتب این سوره را بخوانید. سعی کنید تفسیری از سوره مطالعه کنید.

در گفتگوهای روزانه خود از پیام‌های سوره و یا مثال‌های آن با دیگران گفتگو کنید. در مورد مضامین آن تفکر نمایید. به ویژه در نیمه‌های شب.

طبیعی است که انس با چیزی سبب می‌خواهد و مهم‌ترین سبب، توجه جهت‌دار و هم‌سنخی است. و البته در انس حدی وجود ندارد.

علاوه بر اینها یکی از راه‌ها داشتن برنامه منظم روزانه برای خواندن قرآن است. در واقع برای انس پیدا کردن با هر چیز باید تماس با اون زیاد بشه. تماسی همراه با فهم که از اون لذت فهم برای فرد حاصل بشه.

همچنین یکی از مقدمات انس باقران داشتن طهارت ظاهری و باطنی است و از مهم‌ترین نوع طهارت انجام واجبات و ترک محرّمات است زیرا برای انس با هر چیزی یک نوع هم‌سنخی لازم است که طهارت از مهم‌ترین مقدمات سنخیت یافتن با قرآن است.



۲. اینکه برای انس با قرآن می‌گه مثلاً سوره قارعه رو یه هفته هر روز بخونید یا مثلاً صبح فلان سوره خوانده شود و شب فلان سوره. شبهای جمعه سوره‌هایی که گفته شده خوانده شود. آدم چکار کنه که وقتش با برکت بشه و بتونه به این‌ها برسه؟ یعنی اونطوری نباشه که تو یه روایت درس اول گفته شد و انقدر مشغول کارهای زندگی‌ش باشه که وقت نداشته باشه.



در این مورد شما باید بنایتان بر استفاده باشد و در این مسیر تلاش کنید  
حتماً لازم نیست همه را پوشش دهید. برنامه‌ریزی مدون که در فصل اول به آن اشاره شده بود می‌تواند برای شما سودمند باشد به این معنا که برنامه هفتگی شما با تمرکز بر سایت مجازی باشد. به عنوان مکمل با شیب بسیار کمی برنامه ختم آیات قرآن داشته باشید.  
در مسیر انس نیز هر سوره‌ای که در جزوه می‌آموزید طهارتی متناسب را انتخاب و در عمل خود از این هفته تا هفته بعد انعکاس دهید.



### ◆ تعقل در واژه‌ها، آیات و سوره‌ها



بهره‌مندی از تفکر زمینه شکوفایی عقل را در محضر قرآن فراهم می‌سازد به این ترتیب که پیام‌هایی که از قرآن استنباط می‌شود، پیام‌هایی حقیقی است. این پیام‌ها همان گزاره‌هایی هستند که برای تعقل در زندگی در هر کاری باید مبنا قرار بگیرد. بنابراین با تعقل در آیات، گزاره‌های حقیقی قابل استناد برای هر باور، عمل

و عکس‌العملی به دست می‌آید. و بدین ترتیب فرد می‌تواند از این رویکرد، قرآن را در مهم‌ترین میزان و ملاک زندگی‌اش، یعنی عقل، وارد و جاری نماید.

فردی که تعقل می‌کند در صدد یافتن گزاره‌های حقیقی قابل استناد است و با توجه به آیات نورانی می‌تواند به حقایق ثابت از آفرینش دست یابد. این حقایق مبنای زندگی حقیقی او در دنیا و آخرت خواهد بود.

برای نمونه به سوره مبارکه قارعه مراجعه کرده، این سوره را مجدداً مطالعه کنید و گزاره‌های عقلی آن را استخراج کنید. طبیعی است در بیان کلامی (در متن عبارات) گزاره‌های عقلی مشابه گزاره‌های تفکری بیان می‌شوند ولی در بیان حقیقی (در عمل انسان)، این گزاره‌ها مورد اسناد عمل و باور فرد، واقع می‌شوند. لذا در واقع هر گاه گفته می‌شود تعقل انجام شده، ناظر به بیان حقیقی است و بیان کلامی تنها به عنوان نشانه علمی برای تعقل است.

در تعقل، فرد به مرحله‌ای پا می‌گذارد که لازم است با حقایق یک سوره مبارکه به قدری انس بگیرد که همیشه پیش روی او باشد.



۱. در متن کتاب آمده است که "طبیعی است در بیان کلامی گزاره‌های عقلی مشابه گزاره‌های تفکری بیان می‌شوند ولی در بیان حقیقی (در عمل انسان)، این گزاره‌ها مورد اسناد عمل و باور فرد، واقع می‌شوند. لذا در واقع هر گاه گفته می‌شود تعقل انجام شده، ناظر به بیان حقیقی است و بیان کلامی تنها به عنوان نشانه علمی برای تعقل است". این متن کتاب در مورد گزاره‌های عقلی است که برام نامفهومه. لطفاً بیشتر توضیح دهید.





در مورد تعقل شما وقتی گزاره‌نویسی انجام می‌دهید به گزاره‌های کلی هست و نیست و باید و نباید دست می‌یابید که این گزاره‌ها مبنای سنجش قرار می‌گیرند. تفاوت این گزاره‌ها با گزاره‌های تفکری که جزئی هستند، کلی بودن آنها و معیار سنجش قرار گرفتن است به مثال زیر توجه کنید:

يوم يكون الناس كالفراس المبوث ... من ثقلت موازينه فهو في عيشه راضيه تفكري: قارعه روزی ست که انسانها در آن پراکنده می‌شوند

تعقلی: ثقل میزان در قیامت معیار دسته‌بندی انسانهاست. (در واقع این گزاره یک قانون را می‌گوییم تا بنده در هنگام عمل کارهای خود را بر اساس میزان الهی انجام بدهم تا در دسته‌بندی انسان‌های خوب قرار گیرم.)

همچنین باید توجه کنیم که ما در عمل به گزاره تعقلی تکیه می‌کنیم. فرض کنید دو انتخاب در برابر خود دارید: رفتن به عیادت مریض و رفتن به تفریح. برای انتخاب بین این دو نیاز به یک قانون یا به بیان کتاب، گزاره تعقلی دارید که با تکیه بر آن انتخاب کنید. باید بسنجیم که در این لحظه خداوند کدام انتخاب رو برای ما می‌پسندد. این که برای انتخاب تکیه کنیم بر معیارهای الهی (که در واقع گزاره عقلی به بیان قانون الهی می‌پردازد). یعنی تعقل کرده‌ایم و عملمان متناسب با یک گزاره عقلی بوده است.

حالا ممکن است ادبیات گزاره تفکری و تعقلی در هنگام نگارش شبیه هم باشند. خب اشکالی ندارد. اما توجه کنیم که گزاره تفکری یعنی من درست نگاه کردن و توجه به مسائل را یاد گرفته‌ایم و هدفم برای حرکت را ترسیم می‌کنم. در گزاره تعقلی، قوانینی را ذکر می‌کنم که در حرکت به سوی غایت همواره به آنها رجوع داشته باشم. البته هرگز تفکر و تعقل از هم جدا نمی‌شوند. ما برای دقت بیشتر این‌ها را متمایز کرده‌ایم.

لطفا در این کتاب به فهم کلیات مسئله اکتفا کنید و اگر جزئیات را متوجه نشدید به خودتان سخت نگیرید. در کتاب‌های بعدی آموزش روش‌های تدبیر بیشتر به جزئیات پرداخته می‌شود.



۲. در صفحه ۶۳ کتاب مقدمات تدبر در قرآن، در تدبر سوره قارعه نوشته که مصداق بیرونی آن همان ولایت است!!!! اینو اصلا نمی فهمم از کدوم آیه برداشت کرده.



در سوره قارعه داریم فاما من ثقلت موازینہ...ثقل و سنگینی موازین باعث عیش راضیه می شه. در واقع اعمال انسان بنا به معیاری سنجیده و ارزش گذاری می شود. پس آنچه در زندگی ما نقش معیاری رو داشته باشد که ارزش اعمال به آن سنجیده شود، ثقل محسوب می شود که تمام اعمال ما بنا به "ولایت" سنجیده می شود.

البته یه نکته ای رو بگم در مورد کتاب؛ شما ممکنه در کتاب به جملاتی برخورد کنید که ندونید این جمله از کجای آیه برداشت شده چون در واقع حد وسطهای گزاره حذف شده. لطفا حتی اگر حد وسطهای گزاره های کتاب رو متوجه نمی شوید، درباره آن فکر کنید. اگر باز هم متوجه نشدید، اشکال ندارد و به مطالعه بقیه مطالب کتاب پردازید. این کتاب شروع تفکر در آیات قرآنه و ما هنوز بسیاری از مباحث را یاد نگرفته ایم؛ لطفا اگر حد وسطها رو متوجه نشدید، به خودتان سخت نگیرید. متشکرم.



### ◆ انواع خواندن قرآن از نظر ساختار و کیفیت خواندن



سوره مبارکه مزمل را رو به روی خود بگشایید. با مطالعه سوره و ترجمه آن می توان مطالب مهمی را درباره شیوه های مختلف رجوع به قرآن از نظر ساختار خواندن (قرائت، ترتیل و ...) و نیز از نظر مقدار و شیوه مطالعه (چه زمانی و چگونه خواندن) به دست آورد.



۱. در درس دوم، قرائت، ترتیل و تلاوت به عنوان شیوه‌های رجوع به قرآن از نظر ساختار خواندن مطرح شده‌اند.

آیا برای پیاده کردن سه روش فوق روش خاصی وجود دارد یعنی برای تدبر در قرآن باید از قرائت شروع کنیم تا به تلاوت برسیم و یا منظور دیگری از بیان این سه روش وجود دارد؟



در حقیقت این سه مرحله از منظر ساختار و کیفیت خواندن قرآن بیان شده اما در بحث تدبر به نوعی این مراحل وجود دارد و روش‌های تدبر اصولاً به همین دلیل تدوین شده که فرد به مهارت‌ها و شیوه‌هایی دست پیدا کند که معانی قرآن را بهتر وجدان کرده و بر روی مفاهیم آن تامل کرده و از این رهگذر گام به گام به آن چه که خداوند در هر سوره و آیه از او خواسته آگاهی پیدا کند و باور و عمل خود را بر آن منطبق کند. به طور مثال بخشی از این مهارت‌ها دستیابی به مهارت‌های تفکر در قرآن است مهارت‌های مثل توجه به قالب‌های ادبی و بیانی، توجه به لحن آیات، توجه به فضای نزول و ... که ان شاء الله در آینده و پیش رفتن مباحث خواهید دید که استفاده از این مهارت‌ها تا چه حد تاثیرگذار خواهد بود.



۲. لطفاً درباره انواع رجوع به قرآن و خواندن آن توضیح دهید.



در کل خواندن و مراجعه به قرآن رجوع گفته می‌شود که در درس دوم از کتاب مقدمات تدبر به انواع شیوه‌های مطالعه و رجوع به قرآن می‌پردازد.

۱- روش‌های مطالعه قرآن با توجه به ادراک و عمل: که همان تفکر، تعقل، تدبر و انس با قرآن است.

۲- انواع خواندن قرآن از نظر ساختار و کیفیت خواندن: قرائت، ترتیل و تلاوت

۳- روش‌های مطالعه قرآن از نظر قالب مطالعه.

حالا اگر می‌خواهیم مطالعه‌مان کاربردی شود و سوره‌ها وارد زندگی‌مان شوند، شروعش همین مطالعه مستمر و روزانه سوره‌ها است و این که تلاش کنیم به دریافتهای خود از سوره عمل کنیم و یا باورهای خود را اصلاح کنیم.



۳. من تفاوت تفکر، تعقل و تدبر رو درست نمی‌فهمم. آیا به کارگیری آن‌ها در قرآن و زندگی با هم فرق دارند؟!



ممنون از سوال خوبتان. اول به این مطلب دقت کنیم که تعاریفی که در این کتاب برای واژه‌هایی مثل تفکر داریم براساس قرآن و روایات بدست آمده و شاید با تعاریفی که تا الان از این واژگان می‌دانستیم تا حدودی متفاوت باشد. پس تعاریف رو لطفاً با دقت مطالعه نمایید. حالا پردازیم به سوال شما. در درس دوم تعاریف این سه واژه تفکر، تعقل و تدبر ذکر شده است. مراحل تفکر و تعقل مقدمه‌ای هستند برای تدبر و درک غرض سوره. در تفکر ابتدا به واژگان و اجزای سوره می‌پردازیم بعد به ارتباط واژگان و آیات سوره توجه می‌کنیم. از جمع‌بندی نکات دریافتی در مرحله تفکر، قوانین سوره را می‌یابیم که به معنای تعقل می‌باشد. در واقع قوانین دریافتی از مرحله تعقل مبنای عمل ما در زندگی می‌شوند. با توجه به نکات دریافتی از مرحله تعقل به این سوال می‌پردازیم که هدف از نزول این سوره چه بود و غرض هدایتی سوره چیه که می‌شود مرحله تدبر. حالا نتیجه این مراحل می‌شود اصلاح باور و رفتارهای ما که هدف اصلی ما از مطالعه سوره‌ها و بدین ترتیب سوره‌ها وارد زندگی ما می‌شوند.